

A Study of the Mythological Roots of Fertility Rites in Mazâr-e-Pariyân (Tarq-Nehbandan)

Hamed Noruzi*

Vajihe Shariati**

Abstract

The fertility rite is one of the most common rites in most ancient civilizations. Today, manifestations of fertility rites and footprints of fairy and Anahita as gods and symbols of fertility can still be seen in many local and indigenous ceremonies, songs and plays in different parts of Iran. This research has introduced and traced the components and rituals of myths of fertility in *Mazâr-e-Pariyân* (Fairies Tomb), South Khorasan, and their relation with Anahita, the fertility goddess of ancient Iran. The rites of South Khorasan *Mazâr-e-Pariyân* include sacrifice and offering gifts, offering votive foods, overnight stay in the tomb, dancing and rejoicing, special naming, etc. The roots of these rites were also studied in this research and it was found that the rites of this *Mazar* are derived from the worship of Anahita, the fertility goddess of ancient Iran. However, in the Islamic era, the fairy was evolved and thought to be equal to the jinn due to some similarities between them. Therefore, some popular beliefs about the jinn found their way into fairy tales and, consequently, to the fertility rites of South Khorasan *Mazâr-e-Pariyân*.

Keywords: Popular Culture, Myth, Fertility Ritual, Goddess, Anahita, Fairy, Fairy Tomb of South Khorasan

* Associate Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Birjand, Birjand, Iran (Corresponding Author), hd_noruzi@yahoo.com

** M.A. in Persian Language and Literature, University of Birjand, Birjand, Iran, shariati@yahoo.com

How to cite article:

Noruzi, H., & Shariati, V. (2023). A Study of the Mythological Roots of Fertility Rite in Mazâr-e-pariyân (Tarq-Nehbandan). *Journal of Ritual Culture and Literature*, 1(2), 237- 260. DOI: [10.22077/jcrl.2022.4921.1019](https://doi.org/10.22077/jcrl.2022.4921.1019)



Copyright: © 2022 by the authors. *Journal of Ritual Culture and Literature*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

بررسی ریشه‌های اساطیری آیین‌های باروری در مزار پریان (طارق - نهبدان)

حامد نوروزی*

وجیهه شریعتی پور**

چکیده

آیین باروری از آیین‌های رایجی است که در اغلب تمدن‌های باستان وجود داشته است. امروزه هنوز می‌توان نمودهایی از آیین‌ها و ردپای ایزدان و نمادهای باروری را در بسیاری از مراسم، ترانه‌ها و نمایش‌های بومی و محلی در قسمت‌های مختلف ایران دید. در این پژوهش، به معرفی و ریشه‌یابی اسطوره‌ای مؤلفه‌ها و آیین‌های باروری در مزار پریان (خراسان جنوبی) و ارتباط آن با ایزد یا ایزدان باروری ایران باستان پرداخته‌ایم. گردآوری اطلاعات به صورت میدانی و کتابخانه‌ای و شیوه پژوهش توصیفی - تحلیلی است. آیین‌های مزار پریان خراسان جنوبی شامل قربانی و پیشکش هدایا، پهن کردن سفره نذری، یک‌شب اقامت در مزار، رقص و شادی، پیکرگردانی، نام‌گذاری خاص و... است که در این پژوهش ریشه آن‌ها نیز بررسی و محقق شد که آیین‌های این مزار، برگرفته از آیین‌های پرستش ایزدبانوی باروری ایران باستان است؛ البته پری در سیر تحول خود در دوره اسلامی، به دلیل بعضی همسانی‌ها با جن مترادف شده و برخی از اعتقادات عامیانه در باب جن، به اساطیر پری و به تبع آن به آیین‌های باروری مزار پریان خراسان جنوبی نیز راه یافت.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ‌عامه، اسطوره، آیین باروری، ایزد بانو، آناهیتا، پری، مزار پریان خراسان جنوبی.

مقدمه

هر کیش چهار بخش دارد: «باورها، آیین‌ها، مکان‌های مقدس و پیروان» (ژول، ۱۹۷۲: ۸۱). معمولاً آیین‌های ادیان و کیش‌های باستانی، به دلیل غلبه جنبه‌های عملی، ثبت نشده و به بوتۀ فراموشی سپرده شده‌اند. به همین دلیل سخن گفتن درباره آیین‌های بازمانده از دوران باستان، دشوار است؛ اما این آیین‌ها معمولاً از آنجاکه ریشه در اساطیر دارند، با آنها آمیخته‌اند. اساطیر به‌عنوان بخشی از فرهنگ و ادبیات عامه، یادآور سرگذشت‌ها و راوی وقایع مهم دنیای باستان هستند. به همین دلیل «صحت تاریخی اسطوره‌ها مهم نیست، بلکه آنچه اهمیت دارد، مفهوم و ارزشی است که آنها نزد پیروان خود دارند» (هینلز، ۱۳۶۸: ۳۰). اسطوره «داستان و سرگذشتی مینوی است که معمولاً اصل آن معلوم نیست و شرح عمل، عقیده، نهاد یا پدیده‌ای طبیعی است به‌صورت فراسویی که دست‌کم بخشی از آن، از سنت‌ها و روایت‌ها گرفته‌شده و با آیین‌ها و عقاید دینی، پیوندی ناگسستنی دارد» (آموزگار، ۱۳۷۶: ۳ و برای تعاریف بیشتر ر.ک: کزازی، ۱۳۸۸: ۲ و عفیفی، ۱۳۷۴: ۱۳). «اسطوره‌ها بازگوکننده چگونگی زندگی بشر، مناسک، آیین‌ها، اعتقادات، تولد، مرگ و زندگی پس از مرگ انسان در جوامع ابتدایی و تمدن‌های آغازین هستند» (بهار، ۱۳۷۵: ۳۴۴). به همین دلیل بیشتر این اساطیر عناصر مشترکی مانند اسطوره آفرینش، زن، قهرمان، توفان و... دارند. یکی از مهم‌ترین بن‌مایه‌های مشترک اساطیر جهان، باروری یا اسطوره باروری است که از مرگ و باززایی طبیعت نشئت گرفته است (استریناتی، ۱۳۸۸: ۱۷۲-۵۸۸). این اسطوره‌ها که معمولاً در زمره اسطوره‌های آیینی (برای انواع اسطوره و تعاریف آنها ر.ک: هنری هوک، ۱۳۶۸: ۸-۱۲) طبقه‌بندی می‌شوند، معمولاً اعمال آیینی‌ای را روایت می‌کنند که با کلام، ورد و افسون همراهی می‌شوند و خاصیت جادویی آنها بخش اساسی این آیین را تشکیل می‌دهد. در مرحله بعد، برخی از این اسطوره‌ها به اسطوره کیش بدل می‌شوند و اسطوره را از نیروی جادو، که کاربرد آیینی داشته، پاک می‌کنند. این کیش‌ها معمولاً جشن‌هایی داشته است که در آن پیشکش آورده می‌شده و کاهن‌ها وظیفه حفظ آنها را بر عهده داشته‌اند. معمولاً این آیین‌ها در پرستشگاه‌های محلی اجرا می‌شده است. بخش مهمی از اسطوره‌های بنیادین بشر در قالب آیین‌های باروری است که امروزه نیز آثاری از آن به جای مانده است. بن‌مایه این آیین‌ها بر چرخه سالانه طبیعت میان خشکی و سرسبزی مبتنی است. این آیین‌ها تجسمی از مرگ و سپس باروری طبیعت بوده که آن را در مرگ یا غایب شدن یک ایزد و بازگشت دوباره او تصور می‌کردند (حسین‌پناهی، ۱۳۹۳: ۴۱).

آیین‌های باروری و گیاهی به یاری رشته‌ای از مراسم پیچیده و شگفت‌آور جادویی و دینی، به‌منظور برانگیختن و در اختیار داشتن عمل بارورکنندگی آسمان‌ها و زمین و خورشید و باران پدید آمده بود. این آیین‌ها گاه با خشونت همراه بود و حتی شهادت می‌توانست بخشی از آن باشد؛ یعنی مرگ، گامی به‌سوی رستاخیز، و تباهی تن، مرحله‌ای از باروری و

باززایی، و رسیدن پاییز و زمستان، دیباچه‌ای بر بهاری دیگر شمرده می‌شد (فریزر، ۱۳۹۵: ۴۳۹). غرض از این نمایش‌های مقدس، تازه و توانا کردن قوای فرسوده طبیعت بود تا درختان بار آورند و خوشه‌های غلات، پر دانه شوند (همان: ۴۳۷). یکی از آیین‌های بازمانده از آیین‌های باروری کهن، آیین مزار پریان در خراسان جنوبی است که بسیاری از عناصر و مؤلفه‌های آیین‌های کهن باروری را در خود حفظ کرده است. زیارت و حاجت‌خواهی از این مزار، آیین‌های ویژه‌ای دارد که مشابه آن در برخی از مناطق ایران، برای بعضی از حاجت‌ها مانند بچه‌دار شدن، پسر دار شدن، بخت‌گشایی دختر یا حاجت‌های دیگر برگزار می‌شود. مهم‌ترین بخش این آیین‌ها سفره است که مانند سفره دختر شاه‌پریان و دیگر سفره‌های نذری، آداب و مراسم خاصی دارد و از سفره‌های مشترک میان مسلمانان و زردشتیان است (خنجری و جعفری قنواتی، ۱۳۹۸).

پیشینه پژوهش

تاکنون هیچ پژوهشی در حوزه آیین‌های مزار پریان، ریشه‌های اساطیری آن، ارتباط آن با اساطیر باروری و حتی توصیف مناسک آن انجام نشده است، اما مقالات اندکی درباره آیین‌های باروری و ارتباط آن‌ها با اساطیر منتشر شده است. برای نمونه مال میر و حسین پناهی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به بررسی و تحلیل آیین‌های باروری در شاهنامه فردوسی پرداخته‌اند. قاسم‌زاده و امیری‌فر (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به صورت تطبیقی خویشکاری نباتات در اساطیر جهان را بررسی نموده‌اند. خجسته و حسنی جلیلیان (۱۳۸۹) داستان سیاوش را بر بنیاد اسطوره الهه باروری و ایزد گیاهی تحلیل کرده‌اند.

مزار پریان خراسان جنوبی

روستای تاریخی طارق در شش کیلومتری شمال غرب شوسف و ۴۲ کیلومتری شهرستان نهبندان، در دل رشته‌کوه حوری واقع شده است. در این روستا ۱۲۱ خانوار ساکن هستند که به دلیل آب و هوای مناسب، جمعیت آن در فصول بهار و تابستان گاهی به ۳۲۲ خانوار هم می‌رسد. طارق، پیشینه تاریخی طولانی دارد و بعضی آثار کهن به جای مانده آن هنوز در روستا قابل مشاهده است؛ مانند قبرستان گبرها که در بالای روستا قرار دارد و در آن قبرهایی به طول ۲ تا ۲/۵ متر خلاف جهت قبله حفر شده است. در شمال غربی این روستا نیز چشمه‌ای به نام چشمه پریان وجود دارد که زیارتگاه مردم منطقه، به‌ویژه مردم سیستان است. این چشمه همه‌ساله پذیرای مردم زیادی از منطقه است. در نزدیکی این چشمه، آبادی دیگری به نام پری‌آباد وجود دارد که با داشتن درختانی چون گردو، عناب، انار و... و همچنین قناتی جاری یکی از تفریحگاه‌های مردم در این منطقه است. مزار پریان که به نام‌های چشمه پریان، مزار جنیان، مزار چهل پری و جایگاه دختران شاه‌پریان نیز خوانده می‌شود، مکانی خاموش و رازآمیز با قدمتی چند هزارساله است که

پندارها و اعتقادات کهن را در دل خود حفظ کرده است و با نمایش آیین‌هایی از دوران باستان، انسان را به هزارتوی مرموز تاریخ برده، دوران اساطیری را به دوران معاصر پیوند داده است.

مزار پریان در منطقه‌ای کوهستانی در مسیر بیرجند- زاهدان، در ۴۲ کیلومتری نهبندان، ۱۵ کیلومتری شهر شوسف، ۹۱ کیلومتری شهرستان سریشه و ۱۹۷ کیلومتری بیرجند در نزدیکی روستای طارق قرار دارد. از آخرین ایستگاه تردد وسایل نقلیه تا رسیدن به مزار پریان، تقریباً یک و نیم کیلومتر مسیر پیاده‌روی صعب‌العبور است. این مزار در دامنه کوه بلندی به نام حوری قرار دارد. برخلاف نام مزار، هیچ آرامگاه و قبری در این مکان وجود ندارد، ولی ساکنان آن نواحی معتقدند که این مکان، جایگاه و آرامگاه چهل دختر پری‌زاد است. به روایت بومیان منطقه، در گذشته مردم بارها خواسته‌اند در این مکان آرامگاه و بقعه‌ای بسازند، اما هر بار فروریخته است. ماشین‌آلات راه‌سازی هم بلافاصله بعد از نزدیک شدن به چشمه خراب می‌شوند.

در این مکان جز یک برکه کوچک (چشمه پریان) که بازمانده چشمه‌ای بزرگ است، کوه‌هایی تقریباً بلند و صاف (کوه حوری)، تعدادی درخت (درخت مقدس مزار) و آثار چند خانه سنگی قدیمی که از گذشته برجای مانده و قابل سکونت نیستند، چیزی به چشم نمی‌خورد. در گذشته، چشمه آب صاف و زلالی داشته است؛ اما امروزه جز برکه‌ای کوچک و گل‌آلود چیزی از آن باقی نمانده است. این چشمه کوچک در گویش محلی به کُریغ (kory) مشهور است. در کنار این چشمه کوچک، درختی قرار دارد که آن درخت نیز جنبه‌ای مقدس دارد و مراجعان بنا بر اعتقاد و حاجت خود نخ، تکه پارچه، گهواره کوچک یا عروسک‌هایی شبیه نوزاد را به شاخه‌های آن می‌بندند. بر روی دیواره کوه و تخته سنگ‌هایی که در این مزار وجود دارد، آثار دستی مشهود است که در عقیده عامه مردم منطقه، اثر دست‌های پریان است.

خویشکاری‌های پریان مزار

سالانه زنان زیادی برای رفع حاجت‌شان از نواحی مختلف خراسان و سیستان و بلوچستان به این مزار مراجعه می‌کنند. بیشتر آن‌ها زنانی هستند که باردار نمی‌شوند یا فرزندان‌شان در هنگام بارداری یا بعد از تولد می‌میرند، یا دخترانی هستند که برای باز شدن بخت‌شان به آنجا مراجعه می‌کنند. همچنین در باور عامه بومیان منطقه، افرادی که دچار پری‌زدگی شده‌اند هم با آمدن به این مزار درمان می‌شوند. علاوه بر این، افرادی با نیت‌های دیگری همچون افزایش رزق و برکت محصولات (که خود بخشی از اساطیر باروری است) و... نیز به این مزار آمده و آیین‌های این مزار را اجرا می‌کنند.

آیین‌های مزار پریان

به‌طورکلی آیین‌های این مزار در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه برگزار می‌شود. زائران ظهر سه‌شنبه به این مکان می‌روند و تا قبل از تاریکی هوا آیین‌های خاص این روز را انجام می‌دهند. آنان شب باید مزار را ترک و در روستای نزدیک آنجا (پری‌آباد) سر کنند. چهارشنبه صبح زود مجدداً به مزار مراجعت کرده و مراسم چشمه را انجام می‌دهند که کیفیت این آیین‌ها در ذیل به‌طور مشروح بیان می‌شود.

آیین‌های مزار پریان در روز سه‌شنبه (ظهر تا غروب آفتاب)

زنان حاجتمند ظهر روز سه‌شنبه به این مکان می‌آیند و حیوانی را برای پریان قربانی می‌کنند. این قربانی می‌تواند گوسفند، مرغ، خروس یا گاو باشد. سپس هفت قسمت از اعضای مختلف قربانی مثل دل، جگر، کلیه، سینه، ران، روده و... را، مانند مهره تسبیح به نخ می‌کشند یا به‌صورت جدا و تکه‌تکه، به مدت چند دقیقه در آب در حال جوش ریخته و بدون نمک می‌پزند. سپس آن‌ها را در سینی یا ظرفی می‌گذارند و در سفره‌ای به رنگ قرمز یا سفید که در کنار چشمه پهن‌شده، قرار می‌دهند. به‌طورکلی آوردن قرآن، نماز خواندن و بردن نام خدا در این مکان ممنوع است. مهم‌تر آنکه باید از گفتن بسم الله الرحمن الرحیم، خصوصاً هنگام پهن کردن سفره خودداری شود.

مشابه همین سفره در برخی از مناطق ایران با نام‌های دیگر مشاهده شده است. می‌توان میان سفره‌های ایشان به این موارد مشترک اشاره کرد: سفره سبز یا سفید، قصه‌گویی با موضوع رفع مشکل یا فرج بعد از شدت، روزه گرفتن و نیز برخی از مواد تشکیل‌دهنده سفره. در میان مسلمانان، زمان برگزاری این سفره یکی از شنبه‌ها یا چهارشنبه‌های ماه رجب است، اما زردشتیان زمان معینی برای آن ندارند، بلکه هرکس بنا به زمانی که به مراد خود رسیده یا برایش خوشایندتر است، یکی از روزهای «عزیز» را برمی‌گزیند و هرساله در آن روز مراسم را برگزار می‌کند (خنجری و جعفری قنواتی، ۱۳۹۸).

عده‌ای بعد از قربانی، سر یا یک پای قربانی (مرغ یا خروس) و یا تکه‌ای از گوشت قربانی (گوسفند یا گاو) را به درخت بنه‌ای که در آنجا قرار دارد، آویزان می‌کنند. برخی از افراد بر این باورند که اگر بعد از قربانی کردن، قدری از خون قربانی را به زبان بزنند، شگون دارد. در این سفره علاوه بر هفت تکه گوشت قربانی که معمولاً به نخ کشیده می‌شود، اشیاء و خوراکی‌های دیگری نیز در ظرف‌های جداگانه گذاشته می‌شود که بنا بر اعتقاد هر شخص متفاوت است؛ از قبیل آینه، شمع و شمعدان، شانه، شیرینی یا شکلات (هفت عدد)، سکه، آش محلی، نان، حلوا، خرما، میوه، آجیل (شامل نخود، کشمش و... از هر کدام هفت دانه)، یا حبوبات (باز هم از هر نوع هفت دانه) و لوازم آرایش (یک ظرف حنا و یک سرمه‌دان با درپوش) نیز روی سفره می‌گذارند که شخص حاجتمند باید از آن سرمه‌دان چشم‌های خود را سرمه کشیده باشد. اکثر زائران معتقدند تعداد سایر خوراکی‌ها

و وسایل درون سفره روی هم‌رفته باید به عدد چهل برسد. همه این مراسم باید قبل از شب انجام شود، به عبارتی زمان پهن کردن سفره، بعد از ظهر و قبل از نماز شام است. پس از انجام مراسم قربانی و آماده نمودن این سفره که برای پذیرایی از پریان و یاری طلبیدن از آن‌هاست، مراجعه‌کنندگان جشن برپا می‌کنند و با آواز، ساز و دف و نواهای محلی به پایکوبی و رقص و سرور می‌پردازند. برخی از افرادی هم که برای رهایی از جن‌زدگی یا پری‌زدگی به مزار آمده‌اند، خود را با طناب یا پارچه به آن می‌بندند یا همراهانشان این کار را می‌کنند و دخیل می‌شوند. بعد از برپایی جشن و سرور، زائران باید قبل از تاریکی هوا محل را ترک کنند. هیچ‌کس حق ندارد شب را در آنجا بیتوته کند؛ زیرا به اعتقاد مردم، شبانگاه و با تاریک شدن هوا، پریان با تغییر شکل ظاهری خود به شکل حیواناتی از جمله خرگوش، روباه و... در آمده، به کنار سفره می‌روند و بعد از تناول مأكولات سفره به عیش و شادی و رقص و آواز می‌پردازند و حضور انسان‌ها در آنجا مانع رفت‌وآمد آزادانه پریان شده، آنان را خشمگین می‌سازد. علاوه بر این همراه داشتن هر نوع وسیله آهنی و اشیاء تیز مانند قیچی، چاقو، سوزن و... در این مزار نیز پریان را خشمگین می‌سازد.

آیین‌های مزار پریان در روز چهارشنبه

صبح روز چهارشنبه، قبل از طلوع آفتاب کاروان زائران به مزار بازمی‌گردند تا ادامه آیین‌ها را به جا آورند. آن‌ها ابتدا به محتویات سفره نگاه می‌کنند؛ اگر چیزی از خوراکی‌ها کم یا خورده شده، یا اثری از پریان بر ظرف حنا نقش بسته یا درپوش سرمه‌دان باز شده بود، یعنی نذر و خیرات آنان مورد قبول پریان واقع شده و نشان‌دهنده حاجت‌روایی صاحب حاجت است؛ در این صورت اقلام باقی‌مانده را به‌عنوان تبرک بین دیگران تقسیم می‌کنند، اما اگر سفره دست‌نخورده باقی مانده بود به این معنی است که قربانی و سفره توسط پریان پذیرفته نشده است. در این صورت آن فرد باید دل و نیت خود را پاک کرده، باری دیگر با اعتقاد کامل این مراسم را تکرار کند و این بار باید علاوه بر موارد مذکور، بشقابی آرد هم در سفره قرار دهد تا شاید رد و نشانه‌ای از پریان روی آن ظاهر گردد. علاوه بر این، آن فرد باید سالی یک‌بار به مزار بیاید و برای پریان دوباره قربانی کند.

علاوه بر سفره، چشمه مزار نیز آیین‌های مختص خود را دارد که در روز چهارشنبه انجام می‌گیرد. مردم نخود، شکلات، سکه و... را درون این چشمه می‌ریزند. سپس یک زن به نیابت برای هر یک از نزدیکان خود نیت کرده و دست خود را درون این چشمه می‌برد و هر آنچه را در دستش جمع شد، بیرون می‌آورد و به شخص مورد نظر که برای او نیت کرده می‌دهد. یا خود زن حاجتمند نیتش را در دل زمزمه کرده، دست خود را درون چشمه آب فرو می‌برد و هنگامی که چیزی از درون چشمه در دستش قرار گرفت، آن را بیرون می‌آورد. بنا بر اعتقاد، نباید آب چشمه بیرون ریخته شود، زیرا ممکن است باعث خشک

شدن چشمه گردد، در آن صورت باید برای احیای دوباره چشمه نیز نذوراتی انجام دهند. باور عامه بر این است هر شخصی که دستش را درون چشمه برد، باید اولین چیزی را که به دستش آمد، بیرون آورد و نباید آن را در آب رها کند و داخل چشمه برگرداند، زیرا اگر آن را بیندازد، نه تنها نذرش قبول نمی‌شود که باعث می‌شود پریان خشمگین شوند و اتفاق ناخوشایندی بر او حادث شود.

مرسوم است که ابتدا خانم‌های مسن‌تر مراسم حاجت‌خواهی از چشمه را انجام می‌دهند و سپس سایر زن‌ها برای حاجت خود یا به نیابت از زنی دیگر به درون آب چنگ می‌اندازند. هر چند حضور مردها در هنگام انجام مراسم قربانی و تدارک و پهن کردن سفره مطلقاً ممنوع است، اما برخی می‌گویند آمدن آقایان به کنار چشمه در صبح چهارشنبه بلامانع است، اما باز هم آنان حق ندارند دستشان را در چشمه فرو ببرند و باید زنی به نیابت از آن‌ها این کار را انجام دهد.

هنگامی که زنی دستش را از آب بیرون می‌آورد، با توجه به چیزی که در دستش قرار می‌گیرد، متوجه می‌شود آیا آرزویش برآورده می‌شود یا خیر، یعنی برای هر چیزی که از درون چشمه در دست زن قرار می‌گیرد، تعبیری دارند؛ به‌طور مثال اگر از درون چشمه چیزهایی مثل برگ سبز، نگین یا مهره سبز رنگ و... در دستشان قرار گیرد یعنی حاجتشان برآورده می‌شود، اگر نخود در دستشان بیاید به سفر مشهد می‌روند، اگر سکه به دست آورند نشان رزق و برکت یا سفر حج است، اگر تخمه مغزدار باشد آرزویشان برآورده شده و اگر تخمه بی‌مغز باشد، به خواسته‌شان نمی‌رسند، گندم پوسیده، نشانه بدی و شر و گندم سالم نشان مال و منال و گندم جوانه‌زده نشان فرزند است، شکلات و نبات نشان رسیدن به هدف است و ناخن، چوب، مهره سیاه، خاکستر یا زغال نرسیدن به حاجت را نشان می‌دهد.

ریشه‌های اساطیری آیین‌های باروری مزار پریان

بسیاری از بومیان این نواحی معتقدند که آنجا جایگاه دختران پریزادی است که طبق افسانه‌ها به درون چشمه فرورفته‌اند. عده‌ای این مکان را آرامگاه چهل دختر شاه پریان می‌دانند که طبق افسانه‌ها از دست دشمنانشان گریخته و به این مکان پناه آورده‌اند و در اینجا به شکافی که در دل کوه ایجاد شده رفته، پس از بسته‌شدن دیواره غار برای همیشه در دل کوه پنهان مانده‌اند. به همین دلیل اگر دست را لای شکاف کوه کنی دسته‌ای مو را لمس خواهی کرد که تارهای آن به دستت می‌چسبند. عده‌ای نیز با توجه به کوهستانی و صعب‌العبور بودن مزار، این مکان را محل زیست پریان یا اجنه می‌دانند. «پریان اغلب روی کوه‌ها، نزدیک گودال‌ها و سیلاب‌ها یا در اعماق جنگل‌ها، نزدیک غارها و لجه‌ها، در کناره رودخانه‌های خروشان یا کنار چشمه‌ها ظاهر می‌شوند» (شوالیه و گریبان، ۱۳۷۹، ج ۲: ۲۲۱).

پری که تجسم ایزدبانوی عشق و باروری است، در آغاز یکی از جنبه‌ها و خویشکاری‌های مام-ایزد بزرگ بوده است که ستایش و آیین او در روزگار باستان، در میان مردمان آریایی و سامی و ایرانی گسترده بود و تحت نام‌های گوناگون پرستش می‌شد. او بازتاب و تجسمی از حیات و زندگی زن زمینی و استومند به شمار می‌آمده که با توجه به دو مرحله اساسی و مشخص زندگی زن (دوران دوشیزگی و مادری)، گاه به صورت بغ‌دختر و گاه به صورت بغ‌بانو تصور می‌شده است (سرکاراتی، ۱۳۷۸؛ ۲۴-۲۳).

در اساطیر ایران، پری، الهه عشق و زایش در دوران پیش از زرتشت بود (یشت‌ها، ۱۳۴۷: ۲۳۵ و اوپانیشاد، ۱۳۴۰: ۵۲۸) که بر اثر کام‌جویی و لذت‌طلبی از جمع خدایان رانده شد (سرکاراتی، ۱۳۵۰: ۸ و ۹)، اما پس از سیر تحول و دگرگونی خود، با توجه به خصوصیات و خویشکاری‌های مثبتی همچون: باروری و خیرخواهی و خردمندی که در باور مردم به‌جا مانده بود، تبدیل به کالبدی برای احیای دوباره آناهیتا یا ایزدبانوی بزرگ مادر، ایزد بانوی قدرتمند ایران باستان، که جاری شدن آب‌ها، رویش گیاهان، برکت، باروری و زایش و فرزندآوری وابسته به وجود او بود، شد (درباره چهره دوگانه آناهیتا و پری نک: سرکاراتی، ۱۳۵۰: ۲ و امینی لاری و محمودی، ۱۳۸۹).

آنچه مسلم است اینکه در دوره اساطیری، پری به‌عنوان جلوه‌ای از مادر-خدا و تجسمی از ایزد بانوان کهن و نماد باروری و زایش بود و معنی لغوی پری را نیز «زاینده و بارور» بیان کرده‌اند (ر.ک: سرکاراتی، ۱۳۵۰: ۵ و ۶). به همین دلیل، با توجه به خویشکاری‌های باروری و زایایی، او را نمودی از آناهیتا الهه آب (همان: ۱۸) و باروری و عشق در ایران باستان می‌دانند؛ ازین روی شاید بتوان مزار پریان را نیز با توجه به شرایط و موقعیت جغرافیایی، کارکردهای زنانه و مؤلفه‌های مرسوم آن، به الهه باروری ایران باستان، ایزد بانو آناهیتا، منتسب نمود.

آب

معانی نمادین آب را می‌توان در سه مضمون اصلی چشمه حیات، وسیله تزکیه و مرکز زندگی دوباره خلاصه کرد (شوالیه و گریبان، ۱۳۷۹، ج ۱: ۳). آب، در اساطیر، نمادی از پویایی زندگی است که بر مفاهیمی چون تولد، مرگ و رستاخیز، تطهیر و رستگاری، رمز و راز روحانی و بی‌کرانگی، بی‌زمانی و ابدیت و ضمیر ناهشیار دلالت می‌کند (همان: ۲۲). از دوره‌های نخستین، آب با مفهوم باروری و بارداری پیوند داشت؛ آب عامل زاد و ولد بود، زیرا آب، بارور کننده زهدان زمین به شمار می‌رفت. در برخی اساطیر، نزول آب به صورت باران یعنی لقاح ایزد آسمانی و مادر-زمین. به همین جهت اساطیر بسیاری از ملل، آب را منشأ همه مخلوقات می‌دانند و در نمادپردازی آفرینش کیهان، آسمان زمین را در آغوش می‌گیرد و با باران باردار می‌کند. بر اساس این باور، اقیانوس نخستین، زاینده آسمان و زمین بود. آب در مفاهیم رمزی، رمز همه چیزهایی است که بالقوه وجود دارند،

سرچشمه، منشأ و زهدان همه امکانات هستی است و مبنای تجلی کائنات و مخزن همه جرثومه‌هاست. آب، زمین، جانوران و زنان را بارور می‌کند (اجتهادی، ۱۳۸۲: ۱).

آب تطهیرکننده و احیاکننده و موجب باروری است. حمام آیینی نامزدها و غوطه‌وری زنان نازا در فلان دریاچه یا چشمه مقدس که ساکنانی از اهالی مدیترانه تا خاور دور، از تاریخی بیش از سه هزار سال پیش آن را به جا می‌آوردند، متکی بر همین باور است (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۸). آب نمادی از آغاز و پایان حیات مادی است، رمزی از حاصلخیزی، باروری و زایایی بی‌توقف زندگی است. در برخی اساطیر آب را نماد زندگی دانسته‌اند. شاید این به دلیل جریان داشتن آن است که از حرکت باز نمی‌ایستد و پیوسته جاری است (سرلو، ۱۳۸۹: ۹۵).

در اساطیر ایرانی، آب به‌عنوان یکی از چهار عنصر اصلی طبیعت و دومین آفریده اورمزد، از قدیم‌ترین ایام، در ایران مقدس بوده و ایرانیان معتقد به نقش آفرینندگی آب در نظام آفرینش بوده‌اند. در رام‌یشت در ستایش آب در آغاز هر کرده چنین می‌آید: «آب را می‌ستایم که ...». در آبان‌یشت و تیریششت آب و آنهیتا ایزد بانوی بزرگ آب و باروری، ستایش شده‌اند. مورخان یونانی هم ستایش عنصر آب را به ایرانیان نسبت داده‌اند. در اساطیر ایران باستان بیان شده که آریایی‌ها برای آب قربانی کرده و فدییه می‌داده‌اند. در هزاره نخست قبل از میلاد، ایرانیان، هنگام قربانی برای فرشته آب، در کنار رود یا سرچشمه و کرانه دریا گودالی می‌کنند تا آب به خون قربانی آلوده نشود (یاحقی، ۱۳۸۸: ۴). ایرانیان، بنا به سنت نیاکان خود، روز نوزدهم اسفندماه هر سال گلاب و عطر به آب‌ها و جویبارها می‌ریختند تا آب خوشبو و معطر شود و بدین‌وسیله از این مایه حیات قدردانی می‌کردند (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۲۴).

از آنجاکه آب در اساطیر، زهدان عالم و نماد بارورکنندگی و آنهیتا نیز ایزد آب و باروری است، به همین دلیل در تمامی پرستشگاه‌های مربوط به ناهید، رود یا چشمه آبی جریان داشته است. پری نیز که جلوه‌ای از ایزدبانوی زایش، برکت و باروری است با آب و چشمه در ارتباط است؛ بنابراین چاه‌ها، چشمه‌سارها و رودخانه‌ها یکی از محل‌های ظهور پریان است؛ از این رو، یکی از کارکردهای پری به‌عنوان ایزد بانوی فراوانی و باروری، ارتباط او با بارندگی و آب است.

به نظر می‌رسد وجود آب و چشمه مقدس در این مزار هم با اساطیر مرتبط با آنهیتا مربوط باشد. نام‌گذاری چشمه پریان را می‌توان مدلول باور عامیانه بومیان منطقه، مبنی بر وجود دختران پری‌زاد در این مکان و ارتباط پری با آب دانست. علاوه بر وجود چشمه مقدس، همان‌طور که بیان شد یکی از مراسم رایج مزار پریان، حاجت‌خواهی از چشمه پریان است که زنان به نیت‌های مختلف دست در آب فرو می‌برند و اگر چیزی در دستشان قرار گرفت آن را هدیه‌ای متبرک از ایزد آب دانسته و نشانی بر حاجت‌روایی می‌دانند. این فروردن دست در آب حرکتی نمادین است که ریشه در همین باورهای

اساطیری دارد که به‌نوعی نشان‌دهنده اهمیت آب در برآوردن حاجات است. در این زمینه می‌توان به اصطلاح (از آب گرفته) اشاره کرد، که بیان رمزی بچه‌دار شدن، بارداری و آبستنی در فرهنگ عامیانه است.

کوه حوری

کوه در معنای نمادین بارداری، آرامش، حیات، سکوت، قلمرو آسمانی و... به کار رفته است. اقوام نخستین اعتقاد داشتند کوه، مکان ورود به جهان دیگر است. در اسطوره‌های ملل مختلف، کوه؛ خانه پریان و نردبانی به سوی آسمان و عمارت سلطنتی خدای خالق تلقی شده است (جایز، ۱۳۹۵: ۵۱۵). به همین دلیل در دوران باستان اغلب معابد و پرستشگاه‌ها در بالای کوه و بلندی‌ها ساخته می‌شد تا هم تأکیدی بر مقام والای خدایان و تداعی‌گر عروج و بازگشت به اصل آفرینش و برتری و تسلط کامل ایزدان بر جهان باشد و هم به دلیل داشتن سرمایه و ثروت فراوان از گزند دشمنان در امان بماند. معابد آن‌ها نیز همچون دیگر خدایان معمولاً در بالا یا دامنه کوه یا رودی ساخته می‌شد که در ایران هنوز آثاری از این معابد منتسب به مادر-خدای بزرگ ایرانیان باقی مانده است. معابد آن‌ها در کنگاور، بیشابور، آذربایجان، شوش، هگمتانه، اصطخر و... نمونه‌هایی ازین پرستشگاه‌ها هستند (برای توضیحات بیشتر معابد آن‌ها ر.ک: ثمودی، ۱۳۸۷: ۷۱ و جاهدی، ۱۳۹۳: ۴۰-۴۲).

همچنین ارتباط دیگری بین پری و کوه وجود دارد و آن اینکه در پاره‌ای از اساطیر، جایگاه پریان به جز چشمه‌ها و رودها و درختان در کوه‌ها یا سرزمین‌های سرسبز و خرم نیز آمده است. این باور باعث به وجود آمدن مکان‌های زیادی به نام پریان و دختران پریزاد در جهان و به طبع آن در ایران شد که نمونه‌هایی از آن نیز در ایران برجای مانده است؛ قلعه دختر خراسان رضوی (میان مشهد و تربت‌حیدریه، نزدیک رباط سفید و روستای باز)، قلعه دختر شوراب (در ۶ کیلومتری شرق بیدخت- بغ دختر؛ آن‌ها-)، قلعه دختر شوشتر (در ۱۸ کیلومتری شوشتر) و... که می‌توانند مرتبط با آن‌ها باشند.

به این ترتیب در باب مزار پریان، می‌توان وجود این مزار در بین کوه را هم به دلیل باور عامیانه وجود پریان در دل کوه دانست و هم بنای معابد آن‌ها در مناطق کوهستانی. هر دو توجیه برای موقعیت جغرافیایی مزار پریان درست می‌کند.

علت نام‌گذاری این کوهستان به حوری را می‌توان نمونه‌ای از آمیختگی مذهبی دانست؛ زیرا با ورود اسلام به ایران، پری با توجه به خویشکاری‌های خود، گاهی در معنای جن و گاهی در معنای فرشته به کار رفت و البته به دلیل ارزشی که ایرانیان باستان برای ایزد بانوان و تقدس باروری قائل بودند، جنبه مثبت و فرشته‌وار پری بیشتر مورد پذیرش واقع گردید و این کوه که تعلق به پریان داشت، این‌گونه نامیده شد. علاوه بر این، برخی از اسطوره‌شناسان «حوری را از وجه اشتقاقی، برگرفته از پری می‌دانند» (برفر، ۱۳۸۹: ۵۲).

درخت

درخت به دلیل تغییر دائمی خود، نماد زندگی است. درخت با عروجش به آسمان مظهر قائمیت است. به علاوه درخت سه سطح جهان (ریشه زیر زمین و تنه در سطح زمین و شاخه‌ها در آسمان) را به هم مرتبط می‌کند و جهان سفلی را با جهان اعلا پیوند می‌دهد و نماد ارتباطی زمین و آسمان است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۴، ج ۳: ۱۸۷-۱۸۸).

در بسیاری از افسانه‌های ملل، درختان تقدس ویژه‌ای دارند. مثلاً درخت سدر، گردو، زیتون، انجیر و... که در فرهنگ‌های مختلف هرکدام به نوعی ارزش و احترام داشته و معتقد بودند نباید آن‌ها را قطع کرده و یا شاخه‌ای از آن ببرند. همچنین به دلیل ثمره و نیز چرخه زندگی درخت و مرگ و زندگی دوباره، آن را نمادی از باززایی و باروری تلقی می‌کردند. بدین جهت مردم باستان از درختان طلب حاجت کرده و حتی در برخی افسانه‌ها برای آن‌ها قربانی می‌کردند.

توسل و نذر به یک درخت مقدس به دلیل اعتقاد به قدرتی بود که انسان‌ها به وجود آن در بطن درخت و اثرات کیهان‌شناختی آن داشتند. (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۶۱). زمین یا نباتاتی که از آن زهدان (مهبیل زمین) پا به عرصه عالم وجود می‌نهند، چنان می‌نمایند که به صورتی زنده و جاندار، وجود دارند، صاحب وجودند و تکثیر مستمرشان بدین گونه است که پس از مرگ، مدام به حیات بازمی‌گردند، از این روی نزدیک شدن به درخت و لمس کردنش، همچون لمس زمین، فرخنده و مبارک، نیروبخش و مایه باروری است (همان: ۲۹۱).

همچنین در بسیاری از اسطوره‌های جهان، درخت به سبب ذی‌روح بودن، نقش مؤثری در سهولت زایمان بر عهده دارد. علاوه بر آن، درخت، قدرت تولد و تناسل را افزایش داده و موجب باروری نیز می‌شود. بسیاری از تمدن‌های کهن، در مراسمی نمادین، از درختان، فراوانی غلات و بهبود زراعت، افزایش گله و رمه و حتی زایش زنان سترون را طلب می‌کنند. طبق اساطیر، در بعضی از ملل باستان، دختران نازا را به ازدواج درخت‌های معینی درمی‌آورند و معتقد بودند که این گونه، آن زن باردار خواهد شد (اسماعیل پور، ۱۳۸۹: ۵۸۳). شاید به این علت در بسیاری از مکان‌های منتسب به الهه باروری درختان مقدسی وجود داشتند. در ارتباط پری و درخت می‌توان گفت یکی از نمادهای اساطیری «ذی روح بودن درخت» در فرهنگ عامیانه، باور به حضور پری و دیو مؤنث در درختان است.

در اساطیر سراسر دنیا نمونه‌های متعددی از درخت پریان که محل زندگی پریان بوده مشاهده شده است (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۹۳ و کاوندیش، ۱۳۹۰: ۳۲۶ و سامانیان، ۱۳۹۴: ۶۲). در تعدادی از اساطیر ملل، بعضی از درختان دارای پریانی هستند که به آن‌ها پریان درخت می‌گویند و همان گونه که بیان شد خویشکاری پری که باروری و زایش بود، در کنار خویشکاری درخت (حیات و باروری زمین و گیاهان)، جنبه تقدس خاصی به درخت داده و عده‌ای از مردم بر این باورند که این درختان برآورنده حاجات نیازمندان و دفع بیماری‌ها و چشم‌زخم هستند.

درخت که رمز زندگی و باروری پایان‌ناپذیر است، در اکثر مکان‌های مقدس وجود دارد و در مزار پریان نیز دو درخت مقدس وجود دارد. درختی که در نزدیکی چشمه است و آن را مرتبط با آن‌هیتا و پریان می‌دانند و مردم به آن پارچه و قفل و... می‌بندند. از آنجاکه بیشتر افراد با نیت بارداری و فرزنددار شدن به این مزار مراجعه می‌کنند، علاوه بر نخ و پارچه، عده‌ای عروسک یا گهواره هم به شاخه‌های آن آویزان می‌کنند؛ حتی عده‌ای بنا بر عقیده خود، تکه‌ای از اعضای بدن حیوانی را که طبق مراسمی برای پریان قربانی می‌کنند به شاخه درخت می‌بندند و معتقدند اینگونه قربانی آن‌ها زودتر مورد قبول پریان قرار می‌گیرد.

درختی دیگر که بالاتر از چشمه قرار گرفته و افرادی برای سلامتی یا رهایی از جن‌زدگی با بستن طنابی به دست خود، به آن دخیل می‌شوند؛ زیرا در باور فولکلوریک این منطقه، بسیاری از عوام معتقدند افرادی که دچار جن‌زدگی یا پری‌زده (به دلیل درآمیختگی مفهوم پری با جن) شده‌اند با آمدن به این منطقه درمان می‌شوند.

قربانی

تقدیم فدیه و قربانی که در آن خون جانور ریخته می‌شود، در ایران باستان معمول بوده است و پیش از زرتشت همواره بعد از مراسم نیایش، آیین قربانی انجام می‌شد و هزاران اسب، گاو یا گوسفند در کنار توده‌های آتش قربانی می‌شدند (یاحقی، ۱۳۶۹: ۳۳۹). قربانی غیرخونی شامل اشیا، خوراکی‌ها، میوه‌ها، سبزی‌ها، دانه‌های غلات، گیاهان، درختان و مایعات به‌ویژه آب و شراب می‌شد.

مراسم قربانی کردن در راه ایزد یا ایزد بانوان، همراه با جشن‌ها و مراسم مذهبی و آیینی همراه بود. در دوره هخامنشی، مناسک قربانی برای خدایان ایرانی و عیلامی با عنوان «کوشوکوم» برگزار می‌گردید که در کتیبه‌های باستانی تخت جمشید به آن اشاره شده است. «برای قربانی، باید حیوان را به مکانی پاک می‌بردند، آن را تزیین می‌کردند و تاج گلی بر سر حیوان می‌گذاشتند و نیایش و دعای مخصوص قربانی قرائت می‌شد. فردی که قربانی می‌کرد، باید از خدایان چیزهایی تقاضا می‌کرد. پس از قربانی باید سفره‌ای از نرم‌ترین گیاهان به‌ویژه «شیدر» می‌گسترده و تمام یا قسمتی از گوشت قطعه‌قطعه شده و پخته‌شده قربانی را روی آن نهاده و سرود خدایان را بر آن زمزمه می‌کرد. سپس گوشت را برده و هرگونه می‌خواستند مصرف می‌کردند. پارسیان و مادها قربانی را بر مکانی بلند انجام می‌دادند و قربانی را با تاج گلی آراسته در مکان پاک می‌گذاشتند» (مبلغی، ۱۳۷۶: ۳۱۴).

مذهب زرتشت که بر مبنای زندگی کشاورزی در ایران بود، با اینکه با قربانی گاو (قربانی خونی) مخالفت شدید داشت؛ اما باعث تقدس عنصر آب شد که مظهر کشاورزی و حیات است و آن‌هیتا فرشته نگهبان آب‌ها به مقامی والا دست یافت و آیین قربانی برای او متداول

گشت. بنا بر روایات اساطیری، کاووس، کیخسرو، گشتاسب و حتی افراسیاب و بسیاری از شاهان و پهلوانان برای اردوی سوز آناهیتا، در کنار دریای چیچست قربانی‌ها نثار کردند (یاحقی، ۱۳۸۸: ۶۴۹). به این ترتیب می‌توان گفت بیشترین قربانی‌ها به درگاه آناهیتا ایزد بانوی آب‌ها بوده است.

با بررسی کیفیت مراسم قربانی در این مزار، آیین قربانی در مزار پریان را می‌توان برگرفته از آیین‌های قربانی پیش از اسلام دانست که امروزه با برخی از آیین‌های قربانی در اسلام نیز آمیخته شده است. مؤلفه‌های مراسم قربانی در مزار پریان شامل قربانی کردن در هنگام غروب، تمیز کردن و آراستن حیوان قربانی، سرمه کشیدن یا حنا بستن به حیوان، خوردن آب و گیاه به قربانی قبل از ذبح، تکه‌تکه کردن گوشت قربانی و جدا کردن هفت قسمت از آن، پختن گوشت در آب و... است که ریشه چند هزار ساله دارد.

در باب تکه‌تکه کردن گوشت قربانی، باید گفت در ایران باستان قربانی‌های خونی به دو شکل بودند، دسته نخست آیین قربانی که در آن اندام‌های قربانی قطعه‌قطعه و جدا شده، هرکدام به ایزدی خاص پیشکش می‌شد (لسان، ۱۳۵۵: ۶۴) و در مراسم دیگر، حیوان قربانی که معمولاً گاو یا گوسفند بود، به‌طور کامل سوزانده می‌شد (همان: ۶۰-۶۳). در فصل یازدهم شایسته ناشایسته، کیفیت اختصاص اندام‌های حیوان قربانی به ایزدان و امشاسپندان بیان شده است. در یکی از یشت‌های اوستا گفته شده که گاهی قربانی را هم‌زمان با خوانده شدن یسنا قربانی کرده، پخته و می‌خورده‌اند و در برخی از مراسم، آیین قربانی، پیش از خواندن سرودها انجام می‌گرفته و گوشت آماده را در سر سفره می‌گذاشته‌اند (برای این موارد ر.ک: عدلی، ۱۳۸۷: ۱۳۳-۱۳۶).

سفره

از آنجاکه در تمام ادوار زندگی بشر، خوردن و آشامیدن به‌عنوان جزء تفکیک‌ناپذیر زندگی، در همه جشن‌ها، آیین‌ها و مراسم مختلف مذهبی دنیا وجود داشته است و انسان عهد باستان، خدایان را همچون انسان، نیازمند خوراک می‌دانست، از این‌رو، انواع طعام و مشروبات را نیز، به درگاه خدایان پیشکش می‌کرد و تقدیم این غلات و میوه‌ها را باعث برکت و نیروبخشی به مادر زمین می‌دانست و این‌گونه بود که آیین سفره‌های نذری شکل گرفت. منشأ پیدایش این سفره‌ها، مربوط به دورانی است که زندگی بشر بر پایه کشاورزی بوده و زمین مادر کبیر شناخته می‌شد.

سفره‌های نذری از مهم‌ترین مراسم آیینی و دینی ایران است که بین جامعه زنان مسلمان و زردشتی محبوبیت فراوان دارد (در این مورد ر.ک: خنجری و جعفری قنواتی، ۱۳۹۸). سفره‌ای که بر اساس زن ایزدی پریان و نمادین بودن نقش این زن ایزد، در فرهنگ عامه شکل گرفته است. این پریان که سمبل باروری و کامکاری بوده‌اند، موجبات نذر و نیاز مردم را به پیشگاه خود فراهم می‌آورده‌اند. با نگاهی به اساطیر ایرانی، سفره دختر شاه

پریان، از پس قصه‌هایی سر برمی‌کشد که یک زن در آن محوریت دارد. این سفره نباید زیر آسمان باشد، از این رو در اتاقی ویژه یا زیرزمین پهن می‌شود. رنگ سفره سفید است و سفره‌ای سبز هم روی آن پهن می‌شود. چراغی ویژه در میانه سفره و پوست بادام و گردو که درون آن روغن و فتیله است هم بر چهار گوشه سفره جای می‌گیرد. زنی که بانی این سفره می‌شود معمولاً روزه‌دار بوده، تنها یک‌بار مجاز است چنین سفره‌ای نذر کند. هیچ زن باردار و مردی نباید به اتاق سفره وارد شود. شیء فولادی نیز نباید در اتاق باشد. نمازهای گوناگون در میان زرتشتیان و مسلمانان بر سر این سفره خوانده می‌شود مانند نماز دختر شاه پریون، حور پریون، کبوتر سبز، خضر زنده و... این سفره ابتدا در میان زرتشتیان رواج داشته، ولی بعد از ورود اسلام، با ایجاد تغییراتی شکل اسلامی گرفته، همچنان به حیات خود ادامه داده و هویتی زن محور دارد (سرکاراتی، ۱۳۷۸: ۲۳). مشابه همین توضیحات با کیفیاتی متفاوت در شرح سفره بی‌بی سه‌شنبه آمده است (شکورزاده، ۱۳۶۳: ۴۶-۴۴).

فرنگیس مزداپور در توضیح سفره‌های نذری مقدس در جامعه زرتشتی می‌گوید:

این سفره‌ها توصیفی است زنده از زندگانی گذشته زنی که امروز زن زرتشتی نام گرفته است. زنی که سفره‌های مقدس به توصیف شیوه اندیشه او می‌پردازد. در گذشته در واحه‌هایی کنار آب روان در صحراها و کوه و کمری که ایرانش می‌خوانیم زندگی می‌کرد و همیشه در مقام مادر به نگاهبانی از زندگانی مشغول بود. چه در افسانه‌های مشکل‌گشا و بی‌بی سه‌شنبه و چه در قصه‌های وهمن‌امشاسپند و دختر شاه پریان، او تمدنی شگفت‌انگیز آفرید. این قصه‌ها که در آن نقش تکرار زن-مادر برجسته است، متعلق به زمانی است که جنگ در حکم یک نهاد اجتماعی هنوز اختراع نشده بود. به‌رحال زن زرتشتی این سفره‌های سپندینه با افسانه‌هایشان را در کنج نمانده دل و دین خود چنان خوب جاسازی کرده است که هم نیاز فرهنگی او را برآورده می‌کند و هم زندگانی مادی سرشاری برایش به ارمغان می‌آورد (مزداپور، ۱۳۸۷: ۴۳).

امروزه، هنوز برخی از زرتشتیان برای گرفتن حاجت به «دخترشاه پریان» متوسل می‌شوند و سفره‌ای را به نام او همراه با آیینی خاص می‌گسترند.

سفره‌ای که در مزار پریان پهن می‌گردد، معمولاً قرمز رنگ است و در صورت نبودن پارچه یا سفره قرمز، سفره سفید جایگزین آن می‌شود. رنگ سرخ، با مفهوم نمادین خورشید و تولد و زایش او، که مطلع حرکت به سوی بهار و زندگی است، هم معنا خواهد بود. سرخ، نمادی از گرمای خورشید و روشنایی است. رنگ سرخ در اینجا نماد تولد و گرمای خورشید و ظهور آفتاب است. نمادهای زندگی همواره نیستی را دور می‌کنند. در هندوستان، رب‌النوع مادر را با رنگ سرخ نشان می‌دادند. این بدان سبب بود که به پیوندی میان اصل آفرینش و مادر، باور داشتند. (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹: ج ۳)

سفید، رنگ صلح و دوستی است و دلالت بر کشف و شهود دارد. رنگی مثبت و دارای

روح زنانه است. این رنگ برگرفته از نور و خورشید و اشراق عرفانی است. سفید نشان زندگی و صفا و پاکی است، این رنگ با احساسات عاشقانه در ارتباط است. این رنگ نمادی از زندگی و حیات است و در کنار رنگ سیاه که نماد نیستی است، می‌تواند یادآور آیین باروری و چرخه مرگ و زندگی هر ساله طبیعت و بعد حیات‌بخش آن باشد (همان: ۳۴۵-۳۵۸).

در برپایی سفره‌های نذری به هر نیتی که باشد، بین سفره نذر شده و نیت فرد تناسبی وجود دارد و هر سفره‌ای برای حاجت و نیت خاصی گسترده می‌شود و نامی مخصوص دارد. هر سفره چیزهای نمادینی در خود دارد که هر کدام متضمن معنایی خاص است. اکثر خوراکی‌هایی که در سفره‌های نذری گذارده می‌شود، معمولاً پایه و اساس گیاهی دارد که مربوط به مادر زمین است.

موادی که در سفره مزار پریان نهاده می‌شود بنا بر عقیده شخصی افراد، متفاوت است و می‌تواند شامل اشیاء و خوراکی‌هایی مانند آینه، شمع و شمعدان، شیرینی یا شکلات (هفت عدد)، سکه، آش محلی، نان، حلوا، خرما، میوه، آجیل (شامل نخود، کشمش و...، از هر کدام هفت دانه) یا حبوبات (باز هم از هر نوع هفت دانه) و... باشد. در مزار پریان، بر سر سفره نذری (که در ظهر روز سه‌شنبه پهن می‌گردد)، علاوه بر گذاشتن هفت نوع خوراکی که مجموعه‌ای از دانه‌های غلات یا حبوبات، میوه‌های خشک‌شده یا شیرینی و شکلات است، هفت تکه از گوشت قربانی را که جدا کرده‌اند و به نخ کشیده، به مدت چند دقیقه در آب بدون نمک پخته‌اند نیز در سفره قرار می‌دهند که این سنت نیز بازمانده آیین‌های کهن پرستش ناهید و پیشکش سفره نذری برای اوست که گوشت قربانی را در سفره نذری نهاده و بر آن ادعیه و سرودهایی می‌خواندند.

مزداپور در این باره می‌نویسد: «نشانه‌هایی از آیین قربانی هنوز هم در سفره‌های زرتشتیان وجود دارد. سفره‌هایی مانند سفره بی‌بی سه‌شنبه، سفره شاه‌پریان و سفره پیر و همن روز، آیین‌های کهن زرتشتی را به شکلی در خود حفظ کرده‌اند» (مزداپور، ۱۳۸۷: ۳۸۳).

علاوه بر همه موارد ذکر شده، عده‌ای از مراجعه‌کننده‌ها، لوازم‌آرایی هم در سفره می‌گذارند تا پریان بتوانند خود را بیارینند. همچنین روی سفره یک ظرف حنا و یک سرمه‌دان با درپوش نیز می‌گذارند که شخص حاجتمند باید از آن سرمه‌دان چشم‌های خود را سرمه کشیده باشد. از آنجاکه یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که در اساطیر مختلف جهان در باب پری بیان می‌شود، زیبایی و فریبندگی پری است. «زنی اثری که از نیکویی و زیبایی و گاهی از فرّه نیز برخوردار است که به سبب سودرسانی به مردمان، در مقابل دیو و اهریمن قرار می‌گیرد» (شریفیان و آتونی، ۱۳۹۲: ۱۳۴). بسیاری از شعرا و نویسندگان معشوق را در زیبایی و دل‌فریبی به پری تشبیه کرده‌اند، طوری که امروزه شنیدن واژه پری بی‌درنگ مفهوم زیبایی، دل‌فریبی و رعنائی را به ذهن متبادر می‌کند؛ باین‌وجود نمی‌توان

آن را کاملاً مثبت یا کاملاً منفی ارزیابی کرد. در افسانه‌های ایرانی پری، زنی زیباست که وجودش همچون آن‌هایتا موجد باروری و زایایی است و هم اغواگرست و افسون‌گر که عهد به فریفتن مردان بسته است.

گذاشتن سرمه بر سر این سفره نذری را می‌توان به دو علت دانست؛ نخست میل و علاقه ذاتی زنان به آراستگی و زیبایی که پریان نیز به دلیل مؤنث بودن علاقه زیادی به زیباتر شدن و این‌گونه مواد آرایشی دارند. شاید عقیده به تمایل پریان به آراستگی و زیبایی، باعث شده زنان با گذاشتن سرمه‌دان در سفره نذری خود، سعی در شاد کردن پریان و جلب توجه آنان داشته باشند. همچنین می‌توان آن را برگرفته از سفره بی‌بی سه‌شنبه و تأثیر آن بر این سفره نذری دانست.

حنا نیز یکی از مواد موجود سفره نذری در مزار پریان است. باور عامه بر این است که اگر سفره نذری برای پریان، مورد پذیرش آنان قرار گیرد، پریان، با گذاشتن اثری روی سفره یا وسایل موجود در آن، از جمله ظرف محتوی حنا، این امر را نشان می‌دهند. در ریشه‌یابی گذاشتن حنا در سفره می‌توان گفت؛ از آنجاکه حنا، جزئی از وسایل زیبایی و زینت‌دهنده قدیمی بوده، ممکن است دلیل گذاشتن حنا نیز مانند سرمه، جهت خشنودی پریان و علاقه آنان به آرایش و زیباتر جلوه کردن باشد. این موضوع را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد؛ پریان که نمادی از الهه باروری باستان یعنی آن‌هایتا هستند، پس وارث همه صفات او می‌باشند. مطابق توصیفات آن‌هایتا در اوستا و دیگر کتب، می‌بینیم که ناهید، بنا بر خاصیت فطری زنانه خود، برای زیباتر به نظر آمدن، به آرایش خود پرداخته و از لباس و هرگونه تزئینات و زینت‌آلات بهره گرفته است.

آن‌هایتا، دوشیزه‌ای زیبا، بلند بالا، پاک و آزاده‌نژاد و شریف، دلیر و نیرومند با سینه‌هایی برآمده و بازوان سپید توصیف شده است. او با تن‌پوشی زرین، دست‌آویزهایی گران‌بها، گوشواری زرین بر گوش، گردنبندی از گوهر و تاج زرین هشت پر صد ستاره بر سر، کمر بند بر میان بسته، آراسته به انواع زیورهای گران‌بها و درخشان، با شاخه‌ای برسم در دست (آبان‌یشت، بند ۶۴). بدین طریق، میل و علاقه پریان که نمودی از اینزد بانوان است، به آراستگی و زیباتر شدن نیز توجیه می‌شود. همچنین، در فرهنگ عامیانه ایران، عده‌ای بر این باورند که حنا جنبه بخت‌گشایی دارد.

با این وجود، حنا در بسیاری از سفره‌های نذری شبیه سفره بی‌بی سه‌شنبه و سفره دختر شاه پریان و هم در برخی از سفره‌های نذری مسلمانان وجود دارد و در باور عامه عقیده بر این است که اگر سفره نذری، مورد قبول بانویی که سفره به نام اوست، باشد، او به نشانه پذیرفتن نذر و حاجت‌روایی نذر کننده، به آن حنا، دست می‌زند (شکورزاده، ۱۳۶۳: ۷۴).

آجیل یا حبوبات

از آنجاکه همه این دانه‌های خوراکی از زمین به عمل می‌آید و زمین در گذشته در حکم مادر کبیر بوده، پس این محصولات هم همان خاصیت بارورکنندگی را در خود دارند. از طرفی بسیاری از گونه‌های غلات و حبوبات، چرخه زندگی یکساله دارند و زندگی آن‌ها در یک فصل زراعی به پایان می‌رسد که این چرخه یکساله، نمودی از اسطوره گیاه پیکری و مرگ و رستاخیز طبیعت داشته که جزئی از اساطیر باروری بوده و به نوعی با زایایی و باروری مرتبط است. جرج فریزر در کتاب *شاخه زرین* به تفصیل در این باب صحبت می‌کند. همچنین از آنجاکه کشف بیشتر این غلات و حبوبات را به زنان نسبت می‌دهند، این موضوع خود باعث ایجاد روح زنانه و بارورکننده در این محصولات شده است. به طور کلی، در اساطیر روم و نیز هند و آریایی، محصولات کشاورزی و گیاهی شامل انواع غلات و حبوباتی چون گندم، عدس، لوبیا، نخود، برنج، جو و... با حاصلخیزی و باروری ارتباط دارند. در اساطیر روم، سرس الهه کشاورزی و رستنی‌ها، زراعت و غلات و نباتات بود و از سوی الهه باروری و روابط مادرانه به شمار می‌آمد (استیوارد، ۱۳۸۱: ۴۷).

با این توضیحات استفاده از آجیل و غلات و حبوبات که همه به نوعی با مادر زمین مرتبط هستند در سفره‌ها و غذاهای نذری عجیب نیست. هرچند در هیچ منبعی ذکر نشده که اولین بار چگونه این محصولات به سفره‌های نذری راه یافتند. علاوه بر موارد گفته شده، از دیگر خوراکی‌های موجود در سفره مزار پریان می‌توان به شیرینی جاتی مانند نقل، شیرینی یا شکلات اشاره کرد که مراجعه‌کنندگان، بنا بر باور و سلیقه خود، هفت عدد از یکی از این محصولات را در سفره نذری می‌گذارند و هنوز در اکثر جشن‌ها و مراسم ایرانی و سفره‌های نذری و حتی در مراسم عزاداری نیز استفاده می‌شود و نذر و توزیع این محصولات در مناسبات مختلف، برای رسیدن به خواسته‌ها و حاجات، در بین مردم رواج دارد. خوراکی‌هایی همچون آش، نان، خرما، آرد و... که گاهی در سفره گذاشته می‌شود، همه از ترکیبات گیاهی تشکیل شده و همان‌گونه که در بالا بیان شد، مربوط به مادر زمین و نماد باروری و برکت است.

آینه

آینه نماد نیروی تخیل، یعنی ضمیر خودآگاه است، به سبب آنکه گنجایش بازتاباندن حقایق صوری جهان را داراست. آینه ابزاری برای اندیشیدن درباره خویشتن و نیز بازتابی از جهان هستی است. این نکته، نمادپردازی آینه را با آب که یک منعکس‌کننده است، پیوند می‌دهد (سرلو، ۱۳۸۹: ۱۱۴). در زبان فارسی واژه‌های آبگینه و آبگونه که ریشه آینه و آینه است، به خوبی نشان‌دهنده ارتباط آب و آینه است. در باورهای عامیانه ایران، آینه، همچون آب نشانه روشنایی، پاکی و مترادف شگون است؛ از این روی، در بسیاری از مراسم جشن و شادی و نیز مراسم آیینی و در بسیاری از سفره‌ها همچون سفره عقد و سفره‌های

نذری نیز به کار می‌رود. استفاده از آینه در مراسم و آیین‌های ملی و مذهبی از این جهت است که «آینه بازتاب حقیقت، صمیمیت، درون قلب و آگاهی است» (شوالیه، ۱۳۷۹: ۳۲۳). همچنین می‌توان گفت آینه جنبه زیبایی‌نگری داشته و از این حیث در زمرة لوازم زینتی و آرایشی نیز قرار می‌گیرد. از گذشته‌های دور زنان چنان اهمیتی برای آینه قائل بودند که در اساطیر بعضی ملل، آن را در تابوت خود قرار می‌دادند تا پس از مرگ هم به خیال خود از تماشای نقش خویشتن محروم نمانند. علاوه بر آن، آینه علاوه بر داشتن بعد زیبایی‌نگری و استفاده آرایشی در فرهنگ عامیانه، در سحر و جادوگری، طلسم یا معالجه امراض نیز استفاده می‌شده است. از دیدگاه سرلو، «آینه‌ها نمادهایی جادویی برای خاطرات ناخودآگاه، مدافعی در برابر تأثیرهای شیطانی و همدادی برای شادی‌های زناشویی به شمار می‌روند» (سرلو، ۱۳۸۹: ۱۱۵). در مزار پریان نیز یکی از لوازم معمول در سفره نذری، گذاشتن آینه است. بسیاری از عوام معتقدند که آینه دارای کیفیتی جادویی است و علاوه بر اینکه گذاشتن آن در سر سفره شگون دارد، می‌تواند سدی باشد در برابر جادو و طلسم و نیروهای اهریمنی.

نشان دست

یکی از باورهای عامیانه در برپایی سفره یا درست کردن غذای نذری بر این است که اگر نذر آن‌ها مورد پذیرش کسی که سفره هدیه به اوست، قرار بگیرد، این مقدسان اثر دست خود را بر آن خوراکی‌ها یا اشیاء می‌گذارند. نقشی که اولیاء به‌عنوان نشانه برکت دادن و قبولی به غذا یا مواد دیگر بر جای می‌گذارند و در نوشته‌ها و سنت خیرات شایع است، اولیاء و مقدسان دیگری را نیز به یاد می‌آورد که برآوردگان نیت‌های فراخ، روزی و رفاه هستند، از جمله این مقدسه‌ها، بی‌بی حوا، بی‌بی سه‌شنبه و... هستند که از آن‌ها انتظار می‌رود نشانه دستشان را در غذای نذری که طی آیین‌ها و مراسمی آماده می‌شود بر جای بگذارند. (کراسنولسکا، ۱۳۸۲: ۱۸۷). این باور در فرهنگ عامه نقاط مختلف ایران به چشم می‌خورد. افرادی که به این مزار می‌آیند نیز اعتقاد دارند پریان در صورت قبولی درخواست آن‌ها، نشانه‌ای در ظرف حنا یا آرد بر جای می‌گذارند.

رقص و آواز

از آنجاکه پری الهه لذت، کام‌جویی، افسونگری بوده، ساز و آوازخوانی و برپایی جشن و شادی پریان خصوصاً در شب (که به باور عوام، پریان آزادانه در رفت و آمدند)، می‌تواند بیانگر شادمانی و سرخوشی و لذت‌خواهی ذاتی پری و تمایل زیاد او به خوش‌گذرانی و رقص و ساز و آواز باشد.

حضور ایزد بانوان فراوان، با کارکردهایی چون بخشندگی، شادی بخشی، زیبایی و... نشان

می‌دهد که ماهیت وجودی زن با عشق، محبت و شادی‌آفرینی پیوندی ناگسستنی دارد. به همین جهت، بسیاری از جشن‌های باستانی مرتبط با زن و به افتخار ایزد بانوانی که مظاهر باروری، عشق و شادی بودند، برگزار می‌شد. تجدید و تکرار آیینی این جشن‌های ماهانه و سالانه دلیلی روشن بر ارزش والای جشن و شادی در فرهنگ ایران باستان بود؛ زیرا ایرانیان باستان، شادی را به‌عنوان یکی از مظاهر خلقت مینوی می‌دانستند. جشن آبانگان که در آبان روز (دهم آبان) برگزار می‌شد، یکی از مهم‌ترین جشن‌های ایرانیان باستان بوده که به آن‌ها ایزد بانوی آب تعلق داشته است. اهمیت آب و الهه نگهبان آن، در نزد ایرانیان باستان به‌گونه‌ای بود که مردم در مراسمی جمعی، برای آن آوازهای شادی‌آفرین می‌خواندند و آن را برای زندگی‌شان منشأ خیر و برکت و شادی می‌دانستند. همچنین نوروز نیز که بزرگ‌ترین جشن ایرانیان بود، به دلیل باززایی و حیات دوباره جهان، ارتباطی تنگاتنگ با زمین، مادر طبیعت دارد. مهرداد بهار در کتاب ماندگار خود (از اسطوره تا تاریخ) نوروز را جشن باززایی می‌نامد و می‌نویسد از هزاره سوم قبل از میلاد در آسیای غربی و ایران دو عید رواج داشت، عید آفرینش در اوایل پاییز و عید باززایی که در آغاز بهار برگزار می‌شد (بهار، ۱۳۷۷: ۹۳).

همچنین، نسبت عنصر شادی به زن و ایزد بانوانی چون آن‌ها را می‌توان از القابی که برای سیاره ناهید که منسوب به این الهه است، فهمید. ناهید یا زهره، یک زن نمادین در آسمان و مظهر شادی و خنیاگری است که نمادی از آن‌ها ایزد بانوی آب و باروری محسوب می‌شود. از روزگار دور، زهره را ایزد موسیقی و سرپرست رامشگران و خنیاگران می‌شمردند و کارها و صفات نوازندگان را جلوه‌ای از صفات بی‌شمار او می‌دانسته‌اند. در ادب فارسی نیز، زهره مظهر عشق و شادی و طرب است. بیرونی در کتاب *التفهیم*، رابطه زهره با آب، سپیدی، رویش، طرب و شادی را انکارناپذیر می‌داند و زهره را که سعد اصغر نامیده می‌شود با ویژگی‌های تأنیث، حسن وجه و طرب معرفی می‌کند و او را کوکب اهل طرب و ستاره مخصوص زنان و اهل لهو و شادی می‌داند: زنی است نشسته بر اشتر و در پیشش بربط است و همی زند (بیرونی، ۱۳۷۱: ۳۸۹).

از آنجا که مزار پریان، مکانی متعلق به پریان و برجای مانده از تاریخی دور است، یکی از باورهای عامیانه رایج در مزار نیز، آواز خواندن و رقص و شادی پریان است، حتی برخی از عوام ادعا می‌کنند که صدای شادی و سرور پریان را در هنگام شب شنیده‌اند، به همین علت افرادی که به مزار مراجعه می‌کنند بعد از پهن کردن سفره به شادی و سرور می‌پردازند تا پریان را از خود راضی و خشنود سازند.

اسطوره‌شناسی اجرای مراسم مزار پریان در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه

در هیئت باستان افلاک به هفت طبقه تقسیم شده بودند: این افلاک هفت‌گانه شامل پنج سیاره (مریخ، مشتری، زهره، کیوان، عطارد) و ماه و خورشید بود. بر این اساس هر یک

از روزهای هفته به خدا یا صاحبی تعلق داشت. به عبارتی ایام هفته را بر اساس یکی از افلاک و نیز رنگ آن فلک تقسیم‌بندی می‌کردند. این تقسیم‌بندی با توجه به فرهنگ مسیحیت بود که شروع هفته از روز دوشنبه بود. ترتیب این افلاک بدین صورت بود: دوشنبه منسوب به ماه، سه‌شنبه منسوب به مریخ، چهارشنبه منسوب به عطارد، پنجشنبه منسوب به مشتری، جمعه منسوب به زهره، شنبه منسوب به زحل و یکشنبه منسوب به خورشید (مصفی، ۱۳۵۷: ۲۹).

طبق این تقسیم‌بندی، پنجمین روز مصادف بود با جمعه و مربوط به فلک ناهید بوده و رنگ مربوط به آن را سپید می‌دانستند. بر این اساس، در فرهنگ ایرانی و نیز فرهنگ سامی که با شنبه آغاز می‌گردد، چهارمین روز هفته (سه‌شنبه) متعلق به مشتری است و فلک پنجم (ناهید) که به پنجمین روز هفته تعلق دارد، چهارشنبه محسوب می‌شود. مشتری یا ژوپیتر در اساطیر بسیاری از ملل، خدای خدایان محسوب می‌شد و آریایی‌ها نیز آن را به اسم رب‌النوع آسمان (هورمزد) می‌پرستیدند. اخترشناسان، مشتری را کوكب سعادت و سعد اکبر می‌نامیدند. فلک پنجم مختص به ناهید و جایگاه او بوده و به تبع آن، پنجمین روز هفته هم مخصوص این سیاره و روز ناهید بود که سعد اصغر خوانده می‌شد (همان: ۷۳۵-۷۳۶).

پس برگزاری هرگونه آیین و مراسمی در روز سه‌شنبه با مشتری و در روز چهارشنبه با ناهید مرتبط است که هر دو این روزها سعد بوده و برای انجام این چنین مراسم آیینی مناسب است. زرتشتیان مشتری را سیاره اهورامزدا و ناهید (زهره) را مرتبط با الهه‌آناهیتا می‌دانند.

با توجه به این نکات، انتخاب این روزها در آیین مزار پریان در این دو روز، طبق اساطیر کهن سعد بوده و از آنجاکه مطابق باور عامه، این مزار متعلق به پریان و آناهیتا بوده، خصوصاً آیین چشمه پریان که در صبح روز چهارشنبه (که مختص ناهید الهه عشق و باروری است) صورت می‌گیرد و مؤلفه‌های این مراسم که زنانه بوده و برای رفع مشکلات و نیازهای زنان است، بسیار متقارن و توجیه‌پذیر است.

نتیجه‌گیری

آیین‌های مزار پریان با گذشت چند قرن و ظهور ادیان جدید و آمیختگی با برخی عقاید نو، هنوز اصالت و ریشه خود را حفظ کرده و همچنان در نزد مردم منطقه قابل احترام است و همچنان برپا می‌گردد. قدمت مزار پریان به دورانی بازمی‌گردد که زنان نماد برکت و باروری بودند و الهه‌ها و ایزد بانوها مورد ستایش و پرستش همگان قرار داشتند. یکی از مؤلفه‌های مزار پریان این است که فقط زن‌ها حق ورود به این مزار را دارند و حاجت اکثر مراجعه‌کنندگان مربوط به باردار شدن، از بین نرفتن فرزندان، بخت‌گشایی دختران و... است که این موارد آشکارا کارکردهای مربوط به ایزد بانو و مادر خدا و

اسطوره باروری را در این مکان نشان می‌دهد. مزار پریان خراسان جنوبی را با توجه به موقعیت مکانی، پیشینه کهن تاریخی، کارکردها و مراسم آیینی رایج آن، می‌توانیم در زمره مکان‌ها و متعلق به ایزد بانوی بزرگ ایران باستان، آناهیتا بدانیم که احتمالاً روزگاری دور، معبد و نیایشگاهی از این ایزد بانوی باروری عهد باستان بوده است. از نظر بومیان این منطقه، مزار مذکور، نقش مؤثری در باروری و برکت بخشی داشته است. همچنین در باور عامیانه، چشمه‌هایی را که در نزد مردم مقدس بوده و عوام، پول در آن‌ها می‌ریزند، با پریان نیکوکار و دخترکان باکره و پاک و زیبایی مرتبط می‌دانند. این پریان نیز نمادی از الهه باروری ایران باستان بوده‌اند. بدین جهت نگارندگان، چشمه پریان واقع در این مزار را نیز در زمره این چشمه‌های مقدس و مرتبط با الهه آب‌ها و پریان باروری می‌دانند. سایر مراسم آیینی و کیفیت اجرای آن نیز در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت و روشن شد همه این آیین‌ها ریشه اساطیری داشته و مربوط به الهه باروری هستند که هرچند با گذشت زمان و آمیختگی با فرهنگ اسلامی کمی تغییر شکل یافته و در فرهنگ و اعتقاد مردم نهادینه شده و تا امروز توسط بومیان منطقه اجرا می‌شود.

کتابنامه

- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی. (۱۳۷۲). *اسطوره زندگی زردشت*. تهران: قطره.
- اجتهادی، مصطفی. (۱۳۸۲). *دائرة المعارف زن ایرانی*. ج ۱. بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی. تهران: نقش سیمرغ.
- استریناتی، دومینیک. (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه*. ترجمه ثریا پاک‌نظر. تهران: گام نو.
- استیوارد- پرون. (۱۳۸۱). *اساطیر روم*. ترجمه باجلان فرخی. تهران: اساطیر.
- اسماعیل پور، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). *دانشنامه اساطیر جهان*. زیر نظر رکس وارنر. تهران: اسطوره.
- اسمیت، ژوئل. (۱۳۸۳). *فرهنگ اساطیر یونان و روم*. ترجمه شهلا برادران خسروشاهی. تهران: روزبهان و فرهنگ معاصر.
- الیاده، میرچا. (۱۳۹۲). *چشم‌اندازهای اسطوره*. ترجمه جلال ستاری. تهران: توس.
- امینی لاری، لیلا و خیرالله محمودی. (۱۳۸۹). «ناهید مظهر قدس است یا هوس؟». *پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*. دوره جدید. س ۲. ش ۳ (پیاپی ۷). صص ۵۱-۶۴.
- اوپانیشاد. (۱۳۴۰). گزارنده: محمد دارا شکوه. مقدمه و حواشی محمدرضا جلالی نائینی. تهران: تابان.
- برفر، محمد. (۱۳۸۹). *آینه جادویی خیال؛ پژوهشی در قصه‌های پریان جهان*. تهران: امیرکبیر.

- بهار، مهرداد. (۱۳۷۵). پژوهشی در اساطیر ایران. پاره اول و دوم. تهران: آگاه.
- _____ . (۱۳۷۷). از اسطوره تا تاریخ. ویرایش ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: نشر چشمه.
- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۷۱). التفهیم. زیر نظر اکبر ایرانی. تهران: اهل قلم.
- ثمودی، فرح. (۱۳۸۷). ایزد بانوان در ایران باستان و هند. تهران: آرون.
- جایز، گرتروود. (۱۳۹۵) فرهنگ سمبل‌ها، اساطیر و فولکلور. ترجمه محمدرضا بقاپور. تهران: اختران.
- جاهدی، لیلا. (۱۳۹۳). رمز و راز معماری معبد آناهیتا. تهران.
- حسین‌پناهی، فردین. (۱۳۹۳). «بررسی و تحلیل آیین‌های باروری در شاهنامه فردوسی». ادب پژوهی. ش ۲۷. بهار. صص ۴۱-۶۷.
- خجسته، فرامرز و حسنی جلیلیان، فرامرز. (۱۳۸۹). «تحلیل داستان سیاوش بر بنیاد ژرف‌ساخت اسطوره الهه باروری و ایزد گیاهی». تاریخ ادبیات. ش ۳/۶۴. بهار. صص ۹۶-۷۷.
- خنجری، ناهید و محمد جعفری قنواتی. (۱۳۹۸). «سفره دختر شاه پریان»، دانشنامه فرهنگ مردم ایران، ج ۴، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۴). باورهای عامیانه مردم ایران. تهران: نشر چشمه.
- سامانیان، مهوش. (۱۳۹۴). نمودهایی از حضور پریان در اساطیر. تهران: تمدن علمی.
- سرکاراتی، بهمن. (۱۳۵۰). «پری، تحقیقی در حاشیه اسطوره‌شناسی تطبیقی». پژوهش‌های فلسفی. ش ۹۷ تا ۱۰۰، صص: ۱-۳۲.
- سرکاراتی، بهمن. (۱۳۷۸). سایه‌های شکارشده. تهران: قطره.
- سرلو، خوان ادواردو. (۱۳۸۹). فرهنگ نمادها. ترجمه مهرانگیز اوحدی. تهران: دستان.
- شریفیان، مهدی و بهزاد آتونی. (۱۳۹۲). «پدیدارشناسی زن جادو با تکیه بر شاهنامه و شهریارنامه». ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. ش ۳۲. صص ۱۲۹-۱۶۷.
- شکورزاده، ابراهیم. (۱۳۶۳). عقاید و رسوم مردم خراسان. تهران: سروش.
- شوالیه، ژان و آلن گربران. (۱۳۷۹). فرهنگ نمادها. ترجمه سودابه فضائلی. ج ۱ و ۲. تهران: جیحون.
- عدلی، محمدرضا. (۱۳۸۷). «مفهوم قربانی (یجنه/ یسنه) در هند و ایران باستان». پژوهشنامه ادیان. پاییز و زمستان. ش ۴. صص: ۱۰۱-۱۳۶.
- عفیفی، رحیم. (۱۳۷۷). اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته‌های پهلوی. تهران: توس.

فریزر، جیمز جرج. (۱۳۹۲). *شاخه زرین؛ پژوهشی در جادو و دین*. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: آگاه.

قاسم‌زاده، سید علی و امیری‌فر، عاطفه. (۱۳۹۸). «بازخوانی تطبیقی خویشکاری نباتات در اساطیر جهان». *پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*. دوره ۷، ش ۲. تابستان. صص ۱۵۹-۱۳۰. کاوندیش، ریچارد. (۱۳۹۲). *دائرةالمعارف مصور اساطیر و ادیان مشهور جهان*. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: نشر علمی.

کراسنولسکا، آنا. (۱۳۸۲). *چند چهره کلیدی در اساطیر گاه‌شماری ایرانی*. ترجمه ژاله متحدین. تهران: ورجاوند.

کزازی، میرجلال الدین. (۱۳۸۸). *رؤیا؛ حماسه؛ اسطوره*. تهران: نشر مرکز.

لسان، حسین. (۱۳۵۵). «قربانی از روزگار کهن تا امروز ۲». *هنر و مردم*. ش ۱۶۷. صص: ۶۰-۷۰.

مالمیر، تیمور و حسین‌پناهی، فردین. (۱۳۹۳). «بررسی و تحلیل آیین‌های باروری در شاهنامه فردوسی». *ادب‌پژوهی*. سال هشتم. بهار. ش ۲۷. صص ۶۷-۴۱.

مبلغی آبادانی، عبدالله. (۱۳۷۶). *تاریخ ادیان و مذاهب جهان*. تهران: حر.

مزداپور، کتایون. (۱۳۸۷). *افسانه پری در هزار و یکشب*. شناخت هویت زن ایرانی در گستره پیش تاریخ و تاریخ. به کوشش شهلا لاهیجی و مهرانگیز کار. تهران: روشنگران.

مصفی، ابوالفضل. (۱۳۵۷). *فرهنگ اصطلاحات نجومی*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

هنری هوک، ساموئل. (۱۳۶۸). *اساطیر خاورمیانه*. مترجمان علی اصغر بهرامی و فرنگیس مزداپور. تهران: روشنگران.

هینلز، جان. (۱۳۸۳). *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه محمدحسین باجلان فرخی. تهران: اساطیر.

یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۶۹). *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*. تهران: سروش.

_____ . (۱۳۸۸). *فرهنگ اساطیر و داستانواره‌ها*. تهران: فرهنگ معاصر.

یشت‌ها. (۱۳۴۷). *گزارش پوردوود*. تهران: اساطیر.